



عقل و اخلاق؛ میراث پیامبر خاتم / دلایل بعثت از دیدگاه امام علی (ع)

مبعث روزی است که با پیوند ملک و ملکوت، خداوند بر مومنان منت نهاد و رسولی بزرگوار را برای هدایت بشر برانگیخت. به این مناسبت مروری کرده ایم بر میراث بعثت و تبیین دلایل بعثت از منظر نهج البلاغه.

مبعث روزی است که با پیوند ملک و ملکوت، خداوند بر مومنان منت نهاد و رسولی بزرگوار را برای هدایت بشر برانگیخت. به این مناسبت مروری کرده ایم بر میراث بعثت و تبیین دلایل بعثت از منظر نهج البلاغه.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: طبق نقل مشهور، حضرت محمد بن عبدالله (ص) در روز ۲۷ رجب سال چهلیم عام الفیل و ۱۴ سال قبل از هجرت در غار حراء به پیامبری مبعوث شد. خداوند با بعثت پیامبر اکرم (ص) بر مؤمنان منت نهاد؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا» (آیه ۱۶۴ سوره آل عمران). به مناسبت سالروز این عید سعید که می بایست آن را عید پیوند عالم ملک و ملکوت دانست، با دو تن از کارشناسان دینی گفتگو کرده ایم که در ادامه آمده است؛

حجت الاسلام «ابراهیم بهاری» در گفت و گو با خبرنگار مهر، با اشاره به اینکه پروردگار عالم در مجموعه خلقت برای هدایت مجموعه آفرینش خودش، غالباً الگوها و هادیانی را قرار داده است، اظهار کرد: از آنجایی که انسان اشراف مخلوقات و اکمل موجودات است، در نتیجه مسأله هدایت و حرکت او به سمت صراط مستقیم اهمیت والایی دارد؛ چه آنکه خداوند انسان را آفرید تا عظمت خود را به عالم نشان دهد، بنابراین رفتار و کردار انسانی مورد توجه همه موجودات اعم از جن، ملائکه است.

این استاد اخلاق ادامه داد: خداوند می خواست بار امانت خلیفة اللہی را بر دوش یکی از موجودات بگذارد، اما زمانی که به هرکدام از آنان این مهم را عرضه فرمود، هیچکدام از ترس سنگینی این بار امانت نپذیرفته و کنار رفتند اما انسان پذیرفت، چه اینکه خواجه حافظ شیراز در وصف این مهم چنین سروده است: آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه کار به نا من دیوانه زدند؛ بنابراین از همان روز که این امانت دست انسان سپرده شد بنا بر رشد و تعالی او بود، پس آدم (ع) خود هم خلیفه بود و هم پیغمبر و این سلسله ادامه یافت تا پیغمبر خاتم.

وی گفت: آنچه که قابل توجه است اینکه هیچ یکی از انبیای الهی، خط و مشی جداگانه از یکدیگر ندارند. از آدم (ع) تا وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) هرکدام ادامه دهنده مسیر پیامبر قبلی هستند، لذا این چنین است که قرآن می فرماید: «لَا تَفَرِّقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» (میان هیچیک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم)، بنابراین میان انبیای الهی هیچ افتراق و بحث و جدلی نیست و همه در امر اطاعت از پروردگار واحد بودند. در وصف حضرت رسول (ص) نیز در قرآن آمده است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْشِرْكُمْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا».

حضرت محمد (ص) پیامبر اخلاق بود. درست که معجزه حضرت قرآن کریم بود، اما اخلاق مداری و آن درجه از سعه صدر وجه بارزی است که نمونه اعلای آن جز در آن حضرت و البته فرزندان مطهرش وجود نداشت و نخواهد داشت

حجت الاسلام بهاری تصریح کرد: اساساً بعثت انبیای الهی برای تعالی عقل انسان بود. پیامبران الهی سلسله وار برای هدایت انسان ها در کنار آنان زندگی کرده و در راه قدم برداشتن در صراط مستقیم، آدمی را رهنمون شدند، اما نکته جالب این است که همه این رسل، در خطی حرکت کردند که نهایتاً به حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) می رسید. باید توجه داشته باشیم که بعد از عیسی مسیح (ع) نزدیک به ۶۰۰ سال پیامبری نیامده بود، همه انتظار حضرت محمد (ص) را می کشیدند و مرتباً به دنبال نشانه هایی می گشتند که خبر از پیامبر اسلام می داد.

وی افزود: رسول مکرم اسلام (ص) در ۲۷ رجب سال چهلیم عام الفیل مبعوث شدند، اما نکته جالب آن است که حتی تا پیش از بعثت حضرت، اهل مکه آن حضرت را به درستکاری و امانت می شناختند و همه مردم اموال خود را به دست محمدامین می سپردند، حتی در «لیلة المبيت» که حضرت امیر (ع) به جای پیامبر (ص) در بستر خوابید تا توطئه شوم قریش به جایی نرسد، مردم می گفتند که یا رسول الله! اگر همین ثروت که از قریش در دست تو امانت است را با خود ببری، اینان بیچاره خواهند شد، حال نکته آن است که کفار با وجودی که دشمن پیامبر (ص) بودند، اما در عین حال امین تر از حضرت نمی شناختند که اموال خود را به او بسپارند.

حجت الاسلام بهاری با بیان اینکه بعثت نبی مکرم اسلام از هر جهت نکاتی ستودنی دارد، اظهار کرد: از جمله مهمترین مسائل آن است که حضرت پس از آنکه به بعثت رسید، صبر و تحملی مضاعف در مواجهه با اقوام مختلف دارد. حسن خلق پیامبر اکرم (ص) مثال زدنی است. رسول گرامی اسلام می فرماید: «أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». حضرت محمد (ص) پیامبر اخلاق بود. درست که معجزه حضرت قرآن کریم بود، اما اخلاق مدارای و آن درجه از سعه صدر وجه بارزی است که نمونه اعلاای آن جز در آن حضرت و البته فرزندان مطهرش وجود نداشت و نخواهد داشت. زمانی که از یکی از همسران رسول الله در مورد اخلاق حضرت سوال کردند، او پاسخ داد: «كَانَ خَلْقَهُ الْقُرْآنَ». بنابراین بعثت پیامبر اسلام، میراث گرانبهایی برای بشریت بر جای گذاشت از جمله آنکه به پایه علم عزت و سربلندی داد، ثانیاً اخلاق مدارای را در جوامع بشری به عنوان مولفه ای مهم در زندگی مطرح کرد.

بعثت پیامبر اسلام، میراث گرانبهایی برای بشریت بر جای گذاشت از جمله آنکه به پایه علم عزت و سربلندی داد، ثانیاً اخلاق مدارای را در جوامع بشری به عنوان مولفه ای مهم در زندگی مطرح کرد

وی ادامه داد: یکی دیگر از نکاتی که ذیل مدت رسالت حضرت محمد (ص) باید مورد توجه قرار دارد، عطوفت، رحم و مروتی بود که حضرت حتی نسبت به دشمنان خود لحاظ می فرمود، برای مثال در جریان فتح مکه بسیاری هراس داشتند که با ورود پیامبر (ص) و یاران چه سرانجامی پیدا می کنند اما شعار حضرت در بدو ورود به مکه چنین بود: «الیوم یوم المرحمه» (امروز، روز رحمت و گذشت است) و این چنین فرمان عفو عمومی صادر فرمود. بنابراین زمانی که حضرت رسول (ص) وارد مکه شد، حتی کسانی که خیانت کرده بودند را بخشید. ضمن اینکه اگر حضرت چنین رویکردی را لحاظ نمی کرد کسی به اسلام نمی گروید، چنانچه خداوند در قرآن کریم فرمود: «... وَ لَوْ كُنْتَ قَطًّا عَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ قَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند پس از آنان درگذر).

این استاد اخلاق افزود: پیامبر اکرم (ص) در روز فتح مکه فرمود: «انتم طلقاء» (همه شما رها هستید)، حضرت حتی کسانی که در خانه ابوسفیان بودند را امان داد، فردی چون هند جگرخوار که آنگونه جگر حمزه را تکه تکه کرد. این عفو پیامبر اکرم (ص) آثار گرانبهایی برای جامعه بشری بر جای گذاشت. این اخلاق و عفو حضرت رسول (ص) سبب شد تا در عرض ۲۳ سال، بدون وجود هیچیک از ابزار جامعه امروز اعم از رسانه های دیداری و شنیداری، هفت میلیون مسلمان دور هم جمع شوند و این اتفاق بی نظیری بود و ممکن نشد مگر با اخلاق و رفتار حضرت محمد (ص) که چنین مردم را شیفته خود کرد و ثمره آن خلق و خوی نیکو، همین است که دین اسلام امروز در سرتاسر گیتی پیروان فراوانی دارد. پیامبر اکرم (ص) همان طور که که اشاره شد حتی نسبت به کسانی که ایمان نیاورده بودند نیز دل می سوزاند. چنان که ابولهب سال ها با پیامبر (ص) به دشمنی پرداخت اما حضرت رسول (ص) هرگز او را نفرین نکرد، آنچه که شامل ابولهب شد نفرین الهی است چراکه وقتی به پیامبر (ص) می رسید با دو دستش به صورت پیامبر (ص) می کوبید، از این جهت است که قرآن در مورد آن ملعون فرمود: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ».

وی تصریح کرد: باید این بعثت را قدر دانست و به عظمت آن رسید، رسیدن به این مرحله نیز در گرو آن است که رفتار و سیره حضرت رسول (ص) درس بگیریم و به معنای واقعی کلمه به دنبال حقیقت دین باشیم. اگر مسلمانان امروز به این مسأله توجه کنند که یکی از دلایل بعثت پیامبر اکرم (ص) باز کردن قید و بندها و اسارت و بندگی از دست و پای مردم است، خود را از اسارت دشمنان نجات می دهند. رهرو بودن به معنای آن است که تلاش کنیم که حداقل شبیه آن حضرت شویم. پیامبر اکرم (ص) خلقی نیکو و اندیشه آزاده ای داشت و در گرو هیچ چیز جز رضایت خداوند نبود. این الگویی است که امروز باید به آن توجه کنیم یعنی رضایت خداوند را در امور اولویت قرار دهیم.

مصطفی دلشاد تهرانی استاد و پژوهشگر نهج البلاغه در گفتگو با خبرنگار مهر، به دلایل بعثت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه پرداخت و گفت: بشر هیچ گاه بی نیاز از پیوند با ربوبیت هستی و دین الهی نیست و ختم نبوت هم به معنای بی نیازی از این پیوند نیست، بلکه نیاز به وحی جدید و تجدید نبوتها رفع شده است؛ آن هم به دلیل توانمندی بشر در پاسداشت کتاب آسمانی، توان دریافت برنامه الهی برای تکامل، بلوغ فکری و رشد اجتماعی و توان تفسیر کلیات وحی و اتخاذ روش های درست در زندگی براساس راهبرد وحی. رسیدن به این جایگاه، حاصل گذراندن کلاسهای پی در پی مدرسه پیامبران بوده است تا اینکه بشر به آخرین کلاس و آخرین معلم واجد دریافت وحی رسیده است و پیام آور خاتم به عنوان «حجت بالغة الهی» برای هدایت بشر برانگیخته شده است.

این کارشناس دینی گفت: امام علی (ع) در این باره در خطبه ۹۱ نهج البلاغه چنین سخن رانده است: «وَلَمْ يُخْلِهِمْ بَعْدَ أَنْ قَبَضَهُ مِمَّا يُؤَكِّدُ عَلَيْهِمْ حُجَّةَ رَبُّوبِيَّتِهِ، وَ يَصِلُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَعْرِفَتِهِ، بَلْ تَعَاهَدَهُمْ بِالْحُجَجِ عَلَى أَلْسِنِ الْخَيْرِ مِنْ أُنْبِيَائِهِ، وَ مَتَحَمِّلِي وَ دَائِعِ رَسَالَاتِهِ، قَرْنًا قَرْنًا حَتَّى تَمَّتْ نَبِيَّتَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حُجَّتُهُ، وَ بَلَغَ الْمَقْطَعِ عَذْرَةَ وَ نَدْرَةَ. وَ پس

از آنکه جان او [آدم (ع)] را گرفت، بندگان را در باب ربوبیت و شناسایی خود که بر پایه برهان استوار بود وانگذاشت، بلکه با ایشان تجدید عهد نمود به وسیله دلایل هایی به زبان برگزیدگان از پیام آوران خود و حاملان رسالت خویش جاری فرمود، در قرنی پس از قرنی، تا اینکه رسالت به پیامبر ما که درود خدا بر او و خاندان او باد تمام شد که حجّت بالغه او بود و به وسیله وی عذر خداوند در عذاب [معصیت کاران و ستمگران] و بیم دادن [مردمان از آتش] به پایان رسید.»

بشر هیچ گاه بی نیاز از پیوند با ربوبیت هستی و دین الهی نیست و ختم نبوت هم به معنای بی نیازی از این پیوند نیست، بلکه نیاز به وحی جدید و تجدید نبوتها رفع شده است

وی افزود: سخن امام علی (ع) بیانگر این واقعیت است که دلیل خداوند به وسیله پیامبر خاتم (ص) پایان یافته و نبوت به محلّ قطع آن (بَلَّغَ الْمَقْطَع) رسیده و دیگر جای عذر و بهانه ای برای کسی باقی نمانده است.

دلشاد تهرانی اظهار داشت: پیامبر خاتم (ص) از نظر مقام و مرتبت، والاترین آفریدگان خدا و برگزیده برگزیدگان او بوده است: «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَنَجِيْبُهُ وَصَفْوَتُهُ لَأَيُّوَزِي قَضَلُهُ، وَ لَأَيُّجَبْرِ قَعْدُهُ؛ و گواهی می دهم محمد بنده و فرستاده اوست و منتخب و گزیده او. هیچ آفریده در فضیلت به پایه او نتوان آورد و فقدان او را جبران نتوان کرد.» (همان، خطبه ۱۵۱) «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ سَيِّدُ عِبَادِهِ. كُلَّمَا نَسَخَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَرَقَّتَيْنِ جَعَلَهُ فِي خَيْرِهِمَا؛ و گواهی می دهم که محمد بنده اوست و فرستاده او، و مهتر بندگان که ممتاز ساخت از دیگرانش. هرگاه آفریدگان را به دو فرقه کرد، او را در بهترین گروه درآورد.»

وی با بیان اینکه پیامبر خاتم (ص) از هر نظر برگزیده ترین و بهترین آفریدگان خدا بوده است تا «حجّت بالغه» او باشد، گفت: از نظر خانوادگی، ویژگی های روحی و نفسانی، کمالات انسانی، مراتب علمی و عملی، و توان راهبری و رفتار رحمانی؛ و در واقع چنین انسانی می توانست حقیقت های ایمان را برای همیشه بر مردم بگشاید و بزرگ ترین رسالت را به انجام رساند و نمونه ای کامل برای زیست اخلاقی باشد. امیر المومنین در خطبه ۱۷۸ می فرماید: «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، الْمُجْتَبَى مِنْ خَلَائِقِهِ، وَ الْمُعْتَمَرُ لِشَرْحِ حَقَائِقِهِ، وَ الْمُخْتَصَرُّ يَعْقَائِلِ كَرَامَاتِهِ، وَ الْمُصْطَقَى يَكْرَائِمِ رَسَالَاتِهِ؛ و گواهی می دهم که بنده او و فرستاده اوست؛ گزین شده از میان آفریدگان، و برگرفته برای بازگشودن حقیقت های ایمان؛ مخصوص به گرامی ترین تشریف های کرامت، منتخب برای ادای وظیفه بزرگ رسالت.»

وی در پایان با اشاره به فرازهایی از خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه گفت: وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) شایسته و آماده پذیرش انوار رسالت الهی و ابلاغ آن و تحمّل بار نبوت آخرین بوده است و برگزیده شده است تا حقیقت های ایمان را به تمامی برای همیشه تاریخ بر آدمیان بگشاید؛ او خود به کرامت های والا و کمالات نفسانی و علوم و مکارم اخلاقی ممتاز بوده است تا توانسته با همین فضیلت ها، نفوس ناقص را کامل گرداند و هدایت را تمام سازد و طالبان وصول به حق را به مقصد رساند؛ البته با در دست داشتن کتابی روشنی و روشنگر: «يَقْرَأْنِ قَدْ بَيَّنَّتْ وَ أَحْكَمَتْ؛ به وسیله قرآنی که آن را روشننگر و استوار گردانیده است.»